

# حکم غیرانسانی بی دادگاه جمهوری اسلامی علیه فعالین کارگری

## اول ماه مه سقز را با مبارزه متحدانه می توان لغو کرد!

حسن رحمان پناه

سرانجام بعد از یک سال و هفت ماه نبرد و کشمکش میان فعالین کارگری دستگیر شده در اول ماه مه سقز (۱۳۸۳) و جنبش حمایت از آنان در داخل و خارج کشور از یک سو و جمهوری اسلامی و کل نهادهای سرکوبگر و اجرایی آن از سوی دیگر، روز چهارشنبه ۹ نوامبر ۲۰۰۵، حکم دادگاه در مورد چهار تن از فعالین دستگیر شده سقز به اطلاع وکلای آن‌ها رسید و از طریق وکلا به موکلین آنان ابلاغ شد.

بنابراین حکم محمود صالحی، فعال شناخته شده جنبش کارگری ایران و سخنگوی کمیته هماهنگی ایجاد تشکل کارگری در ایران به اتهام برگزاری تجمع غیرقانونی (اول ماه مه ۱۳۸۳ سقز) و تهیه و پخش جدول خانواده پنج نفره در ایران به ۵ سال زندان و تبعید به شهر قروه محکوم گردید. همچنین پرونده دیگری علیه ایشان به اتهام "تشویش اذهان عمومی" ساخته شده و به دادگاه عموم جهت صدور رای واگذار شده که هنوز حکم آن معلوم نیست. در همین روز جلال حسینی از دیگر فعالین کارگری به ۳ سال زندان محکوم شد و هادی تنومند و اسماعیل خودکام دو تن دیگر از فعالین کارگری دستگیر شده اهل بوکان، در دادگاه تبرئه شده‌اند.

در تاریخ ۱۲ نوامبر، محکومیت محسن حکیمی، محمد عبدی پور و برهان دیوارگر از دیگر دستگیرشدگان اول ماه مه سقز هر کدام به ۲ سال زندان توسط وکلایشان به آنها اعلام شد. لازم به یادآوری است که همه دستگیرشدگان از ارتباط و هواداری با کومه له تبرئه شده‌اند.

### "اتهام" فعالین کارگری، متهم واقعی کیست؟

بی دادگاه جمهوری اسلامی فعالین شناخته شده جنبش کارگری ایران را به اتهام «برگزاری تجمع غیرقانونی» به زندان و تبعید محکوم کرده است. اولین سئوالی که برای هر شنونده این حکم اسلامی پیش می‌آید این است کدام تجمع و چرا غیرقانونی؟! تجمع مورد نظر گردانندگان بی دادگاه‌های جمهوری اسلامی، اول ماه مه سال ۱۳۸۳ در پارک کودک شهرستان سقز می‌باشد که کاملاً علنی و با حضور جمع کثیری از کارگران و خانواده‌هایشان است که با یورش نیروهای نظامی رژیم روبرو شد و برگزار نگردید. از هفته‌ها قبل از گردهمایی اول ماه مه کارگران و خانواده‌هایشان در پارک کودک، نمایندگان کارگران با مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی در آن شهر در حال مذاکره و گفتگو برای

دریافت مجوز و محل اجتماع بودند. مقامات رژیم آگاهانه به آن‌ها جواب نمی‌دادند تا در روز کارگر مانع تجمع و جشن کارگران شوند. زمانی که کارگران متوجه فریب و نیرنگ رژیم اسلامی در ممانعت از برگزاری مراسم مستقل خود شدند، هم‌چون ده‌ها مورد و نمونه دیگر به نیروی اتحاد و همبستگی خود متوسل شدند و تصمیم به برگزاری مراسم خود گرفتند. اما آمرین و مامورین رژیم اسلامی تحمل سرکشی و اراده متحدانه کارگران را برای برگزاری مراسم و جشن آن‌ها را نداشتند، کارگران و خانواده‌های آنان را وحشیانه مورد هجوم قرار دادند. بیش از پنجاه تن از آنان را دستگیر کردند که به جز هفت نفر که برای آنان پرونده‌سازی شد بقیه را آزاد کردند.

محمود صالحی، محمد عبدی پور، محسن حکیمی، جلال حسینی، هادی تنومند، اسماعیل خودکام و برهان دیوارگر به اتهام برگزاری تجمع غیرقانونی بازداشت، شکنجه و اموال شخصی بعضی از آن‌ها توسط سپاهیان اسلام به تاراج رفت و اکنون هم بعد از ۱۹ ماه بلاتکلیفی به زندان و تبعید متهم شده‌اند. اگر جمهوری اسلامی و قانون‌گذاران و مجریان آن به قوانین ارتجاعی خود باور دارند تجمع مورد نظر آن‌ها برگزار نشد تا مطابق چنین اتهام‌های کارگران بازداشت و شکنجه و اکنون احکام زندان و تبعید علیه آنان صادر شود.

بنابراین، اتهام وارده کذب محض، جعل و به غایت ضدانسانی است. مضافاً این‌که برگزاری مراسم روز کارگر از زمانی که کارگران شیکاگو، در دفاع از خواست‌ها و مطالبات خود با خون خود سنگ فرش خیابان‌های آن شهر را رنگین کردند و مطابق آن و بنا به تصمیم انترناسیونال دوم، اول ماه مه بعنوان روز کارگر اعلام شد، چنین روزی در سرتاسر جهان بعنوان روز کارگر گرامی داشته می‌شود. در این میان وصله ناجور جمهوری اسلامی، و قوانین برگرفته از ۱۴۰۰ سال قبل است که با هیچ‌گونه خواسته و انتظار انسان امروزی تناسب ندارد و آنچه غیرقانونی و غیرقابل قبول برای مردم ایران می‌باشد جمهوری اسلامی و قوانین و نهادهای آن است. واقعیتی که مردم ایران بارها و بخصوص در اعتراضات سال‌های اخیر خود در گوشه و کنار این کشور و در رای نه بزرگ و عدم شرکت در نمایش‌های انتخاباتی جمهوری اسلامی و از جمله در انتخابات رئیس جمهوری پاسدار احمدی‌نژاد آن را به روشن نشان دادند.

وانگهی کارگران که اکنون حکم زندان و تبعید برای "تجمع غیرقانونی" سال گذشته دریافت کرده‌اند همان کسانی هستند که امسال در اول ماه مه سالن کاوه شهر سقز حضور داشته و سخنان افشاگرانه محمود صالحی، علیه نظام سرمایه‌داری و رژیم حامی آن که با تشویق حاضرین روبرو شد چهره ضدکارگری و ضدانسانی حکومت اسلامی سرمایه و قوانین آن را هرچه بیشتر رسوا و افشا کرد. از نظر طبقه کارگر و مردم عدالت‌خواه و به ستوه آمده، آن‌که متهم است و باید مورد محاکمه

قرارگیرد، نه کارگران دستگیرشده اول ماه مه سقز، بلکه رژیم سرکوبگر اسلامی است که به اتهام نسل‌کشی و کشتار بی‌رحمانه انسان‌ها در ۲۶ سال گذشته و ممنوع کردن خواست‌های طبیعی آنان از جمله حق تشکل، اعتصاب و تظاهرات باید مجازات شود. مجازاتی که عاقبت آن چیزی کمتر از سرنگونی با مبارزه و اراده آگاهانه و سازمان‌یافته مردم ناراضی و عدالت‌طلب نیست.

### هواداری از کومه‌له و "تبرئه از این اتهام"

در ضدانسانی بودن رژیم اسلامی و قوانین و نهادهای آن کمتر کسی شک دارد. تمام ویژگی‌های نظام‌های فاسد، فاشیست و سرکوبگر در جمهوری اسلامی هم‌زمان جمع شده است. یکی از خصوصیات این رژیم یکسان‌سازی فکری و عقیدتی انسان‌ها مطابق الگو و معیارهای مجموعه‌ای انسان‌واپس‌گرا و ارتجاعی است که بعنوان نمایندگان خدا بر هفتاد میلیون انسان دریند در ایران حکومت می‌کنند. این مجموعه انگشت‌شمار که در نهادهای انتصابی از قبیل شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و نهاد رهبری گرد آمده‌اند قالب عقیدتی و فکری معینی را بر جامعه ایران تحمیل کرده، که عدول از آن «کفر» و «الحاد» است و مطابق این نظر ضدانسانی تاکنون ده‌ها هزار زن و مرد آزاده و مخالف را به کام مرگ فرستاده‌اند. این عمل مکروه و قبیح چیزی جز تفتیش عقاید و سنجش انسان‌ها بر اساس تفکر آن‌ها نیست. انگیزاسیون و تفتیش عقاید قرن‌ها است به همت مبارزه آگاهانه و متحدانه بشریت معترض در اکثریت جهان به زیاله دان تاریخ انداخته شده است، اما در ایران و حکومت‌های اساساً مذهبی و ایدئولوژیک هم چنان پا برجا است.

اتهام هواداری از کومه‌له، علیه فعالین کارگری در واقع کاوش در مغز انسان‌ها و منع عقیده و افکار آنان غیر از نظر حاکمان مستبد است. کارگران دستگیر شده در اول ماه سقز و هرانسان حق دارد هر عقیده و مرام و مسلکی داشته باشد یا نداشته باشد. کسی نباید به اتهام عقایدش مورد بازخواست و پرسش قرار گیرد. بنابراین "تبرئه" فعالین کارگری دستگیر شده در سقز به اتهام هواداری از کومه‌له برای انسان‌های آزادی‌خواه و مدافعین ضدتفتیش عقاید نه تنها نباید بعنوان نکته مثبتی در حکم بی‌دادگاه رژیم نگریسته شود، بلکه هم‌چنان باید سیستم تفتیش عقاید در حکومت اسلامی و بازداشت و شکنجه و اعدام انسان‌ها به چنین اتهامی مورد بیشترین اعتراضات و نارضایتی عمومی و سازمان‌یافته قرار گیرد.

### احکام صادره علیه فعالین کارگری و شرایط کنونی

جمهوری اسلامی، با این حکم ظالمانه بار دیگر خود را در مخمصه و سردرگمی انداخته است. هرچند آن‌ها با حذف اتهام هواداری از کومه‌له یا در واقع اتهام تفتیش عقاید که مورد اعتراض شدید همه نهادهای بین‌المللی کارگری قرار گرفت، راه را برای عقب‌نشینی بعدی هموار گذاشته‌اند،

اما با اتهامات وارده علیه کسانی که پرونده آن‌ها به معضل فراکشوری و جهانی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است، بی‌تردید بار دیگر اعتراضات و ناراضی‌های گسترده‌ای را در داخل و خارج کشور برای سران رژیم و صادرکنندگان چنین حکمی به همراه خواهد داشت.

بعد از اعلام رئیس جمهور شدن احمدی نژاد، توسط سپاه پاسداران و بسیج و نهادهای ولایت فقیه، جمهوری اسلامی، به لحاظ موقعیت بین‌المللی از هر زمان دیگری در شرایط دشوارتری قرار گرفته است. پرونده هسته‌ای ایران روزبروز بیشتر به معضل رژیم اسلامی و دنیا تبدیل شده و علی‌رغم عقب‌نشینی‌هایی از جانب جمهوری اسلامی، اما غرب بر ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مصمم‌تر به نظر می‌رسد و موضع اروپا و آمریکا در این رابطه نزدیکتر شده است. تصویب قطعنامه شورای امنیت با ۲۲ رای موافق و ۱۲ رای ممتنع و تنها یک رای مخالف در ۳۲ سپتامبر، برای اولین بار مسیر ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت را هموار کرد. سخنان احمدی نژاد که تصور می‌کرد بعنوان یک بسیجی از سنگر سر بیرون آورده و شعار "حذف اسرائیل" از روی نقشه جهان می‌دهد، واکنش‌های شدیدی را در جهان برانگیخت و حتی منجر به لغو سفر از قبل تعیین شده کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد، به ایران شد. نامه شدیدالحن گایدو، دبیر اتحادیه‌های آزاد کارگری به احمدی نژاد، بعد از اعلام حکم محمود صالحی و جلال حسینی بر مخالفت جدی این نهاد با ۱۴۵ میلیون عضو در جهان دلالت دارد که فشار جدی بر جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. اکنون، انزوای بیشتر رژیم اسلامی در سطح بین‌المللی بیم و امیدهای بیشتری (بیم از جنگ و امید به سرنگونی) را نسبت به سابق در میان مردم ایران بوجود آورده است.

از سوی دیگر طی یک سال گذشته حرکت‌های آگاهانه در داخل کشور جهت خودسازماندهی توده‌های ناراضی و معترض بخصوص طبقه کارگر شکل گرفته است که بعنوان مثال به نمونه‌های برجسته آن از جمله ایجاد کمیته هماهنگی تشکل کارگری، کمیته پیگیری تشکل کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و تشکل سراسری بیکاران، تشکل یابی معلمان و پرستاران و ... می‌توان اشاره کرد. از سوی دیگر ما روزانه شاهد اعتراضات و مبارزات کارگری، زنان، جوانان، دانشجویان و تحرک گسترده در جنبش انقلابی کردستان هستیم که با یک ماه اعتراض و تظاهرات در شهرهای مختلف همراه بود و سرانجام با اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد، نقطه درخشانی از سازماندهی توده‌ای و بیزاری عمومی و خواست سرنگونی جمهوری اسلامی را در تاریخ این جنبش به ثبت رساند. اکنون جمهوری اسلامی، با چالش‌های عمومی و گسترده در داخل و خارج کشور روبرو است. اعلام حکم محکومیت دستگیرشدگان اول ماه مه سقز توسط بی‌دادگاه رژیم در شهرستان سقز، در شرایط فعلی از نگرانی از جنبش رو به جلو و گسترده کارگری و زهرچشم گرفتن از این جنبش و فعالین آن

ناشی می‌شود. اما واقعیت این است و تجربه تاکنونی اثبات کرده که به هر میزان جمهوری اسلامی در مقابل فشارهای بین‌المللی عقب‌نشینی کند به همان اندازه فشار علیه مردم ایران و جنبش عدالت خواهانه و سرنگونی طلب را افزایش می‌دهد. رژیم اسلامی با صدور حکم زندان و تبعید برای دستگیرشدگان اول ماه مه سقز بعد از بیش از یک سال و نیم انتظار و دلهره، قصد ممانعت از پیشروی جنبش کارگری در همه عرصه‌ها از جمله سازماندهی و ممانعت از طرح خواست‌های مطالبات آن را دارد. بی‌تردید صدور حکم زندان و تبعید فعالین کارگری ایران که با مقاومت و مخالفت جنبش حمایتی از دستگیرشدگان کارگری روبرو خواهد شد و معضلات و مشکلات جدیدی در مقابل رژیم خواهد گذاشت.

### حکم دستگیرشدگان سقز، اعتصاب کارگران نساجی سنندج و چه باید کرد؟

اکنون بار دیگر همه توجه‌ها در داخل و خارج کشور به سقز و سرنوشت فعالین کارگری دستگیرشده این شهر جلب شده است. اما نباید فراموش کرد که در شهر سنندج و در ۳ ساعتی سقز، اعتصابی متحدانه بیش از یک ماه و نیم است برای چهارمین بار متوالی طی ۸ ماه اخیر در جریان است. بیش از چهارصد تن از کارگران کارخانه نساجی سنندج که در ۳ شیفت ۲۴ ساعته کار می‌کنند در اعتراض به اخراج چند نفر از همکارانشان که کار موقت و قراردادی داشتند، وارد اعتصاب دسته‌جمعی شدند. مقامات اداری و امنیتی استان کردستان هم‌زمان با کارفرما و اداره کار و با پشتیبانی نیروهای مسلح تصمیم به مخالفت با خواست و مطالبات کارگران گرفته تا از "زیاده‌روی" آنان جلوگیری کنند. کارگران در مقابل این جبهه سرکوبگر و ضدکارگری به نیروی اتحاد و همبستگی خود با جیب و سفره خالی، بی‌رونق خانوادهایشان به مقابله برخاستند و خواست‌های دیگری از جمله حقوق به تعویق افتاده، پایان دادن به کارموقتی و کنتراتی و دریافت حق زمان اعتصاب را خواستار شدند. کارفرما و مقامات دولت کل کارگران را به اخراج و پلمپ کارخانه تهدید کردند. اما اراده واحد کارگران تهدید آنان را تاکنون ناکام گذاشته است. بعد از چند روز اعتصاب کارگران کارخانه شاهو، طی اطلاعیه‌ای حمایت همه جانبه خود و خانوادهایشان را از همکاران اعتصابی خود در نساجی، اعلام کردند. همچنین کارگران صنف فلزکار و برق کار کرمانشاه، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری و چندین نهاد و تشکل کارگری دیگر هم طی اطلاعیه‌های جداگانه حمایت خود را از کارگران اعتصابی نساجی ابراز داشتند.

اکنون اعتصاب کارگران نساجی سنندج به یکی از طولانی‌ترین و متحدانه‌ترین اعتصابات کارگری در طی سال‌های اخیر تبدیل شده و درس و تجربیات فراوانی برای جنبش کارگری ایران و کردستان به ارمغان آورده است، که لازم است جداگانه و مفصلاً به آن پرداخت. اما آنچه که امروز مهم است

عبارت است از این که این اعتصاب طولانی مدت و متحدانه که با فقر مطلق کارگران و خانواده‌های آنان آغاز و ادامه دارد، با خواست‌ها و مطالبات رادیکالی از جمله پایان دادن به کار قراردادی و موقت که خواست و مطالبه کل جنبش طبقه کارگر در ایران است و پرداخت حق اعتصاب، نباید در حاشیه صدور احکام ضدانسانی علیه دستگیرشدگان سقز قرار گیرد. بلکه هم‌زمان باید در داخل و خارج کشور نیز از اعتصاب کارگران نساجی سنندج، فعالانه به لحاظ مادی و معنوی حمایت کرد و این هم‌زمان را که اکنون به نقطه امیدی در جنبش کارگری ایران تبدیل شده‌اند از هر لحاظ کمک کرد. همچنان که قبلاً اشاره شد جمهوری اسلامی، اکنون در موقعیت به مراتب نامساعدتر و دشوارتر از زمان دستگیری فعالین اول ماه مه سقز در عرصه داخلی و بین‌المللی قرار دارد. اگر یک سال و نیم قبل محمود صالحی و همکارانش را بعنوان افراد منفرد و فعال دستگیر می‌کردند، اکنون ایشان سخنگوی کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در ایران است که هزاران امضاء پشت سر آن قرار گرفته و شاخه و شعبه این کمیته در شهرهای مختلف ایران در حال تشکیل و فعالیت است. حکم محکومیت ۷ فعال کارگری دستگیرشده در سقز، تنها محکومیت این ۷ نفر نیست، بلکه حکم ضدانسانی علیه طبقه کارگر ایران، کمیته هماهنگی ایجاد تشکل کارگری در ایران و تمام اتحادیه‌ها و نهادهای کارگری و بشریت مترقی و آزادی‌خواه در داخل و خارج کشور است که بیش از ۱۹ ماه است برای آزادی فعالین دستگیرشده کارگری سقز پیکار می‌کنند. اکنون بار دیگر و در شرایط مساعدتر جمهوری اسلامی با احکام صادره شده شمشیر را از رو بسته و به جنبش کارگری و مدافعین آن در داخل و خارج کشور اعلام جنگ داده است. این نبرد میان ما و جمهوری اسلامی به وسعت جهان است که ده‌ها میلیون کارگر معترض و متشکل در نهادهای کارگری جهانی و بشریت آزادی‌خواه را رودرروی حکومت قرون وسطایی جمهوری اسلامی، قرار خواهد داد. شرکت در این نبرد نه امری سازمانی بلکه وظیفه‌ای جنبشی و طبقاتی است.

تشکل‌ها و نهادهای کارگری در داخل کشور، علی‌رغم تفاوت در نظر و عمل می‌توانند با اتحاد و همکاری حول لغو احکام صادر شده، در دستور گذاشتن اقدامات و حرکات آگاهانه و سازمانیافته همراه با توان و ظرفیت خود و حتی‌الامکان سراسری، واحد و هم‌زمان وارد همکاری و فعالیت عملی شوند.

در خارج کشور فعالیت عملی مادی و معنوی از جمله جمع‌آوری کمک مالی برای کارگران و خانواده‌های نگران و دلواپس آن‌ها باید به فوریت در دستورکار تمام نهادها، سازمان‌ها و فعالین منفرد چپ، بشردوست و مدافعین جنبش کارگری و جنبش عدالت‌خواهانه قرار گیرد. می‌توان و باید با تمام نهادهای کارگری، ای.ال.او، اتحادیه‌های آزادکارگری، احزاب و سازمان‌ها و

شخصیت‌ها و منفردین چپ و انسان‌دوست، امنستی انترناسیونال، سازمان حقوق بشر، صلیب سرخ جهانی و نمایندگان پارلمان‌های اروپا و کانادا و استرالیا تماس گرفت و آن‌ها را به حمایت از لغو فوری احکام صادر شده، جبران خسارت به فعالین دستگیرشده توسط جمهوری اسلامی، فشار روزانه بر نمایندگان رژیم اسلامی در این کشورها، طرح خواست اخراج جمهوری اسلامی، از سازمان جهان کار بعنوان رژیم ضدکارگر و دشمن آزادی شد.

اکنون نبرد در دو مکان، سقز و سنندج، با خواست لغو حکم دستگیرشدگان سقز و تحقق خواست و مطالبات اعتصابیون نساجی سنندج، برسر دو خواست و مطالبات جداگانه اما با اهداف واحد و طبقاتی با رژیم اسلامی، سرسختانه و مصرانه در جریان است. پیروزی در این نبرد به نیروی اتحاد، همبستگی و پراتیک روزانه جنبش ما در داخل و خارج کشور بستگی دارد که هم‌زمان این جنبش را چند قدم به جلو سوق خواهد داد.

سهم هرکس در این پیروزی به اندازه فعالیتش خواهد بود.

۲۱ نوامبر ۲۰۰۵

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۶۱